

سی سال قانونگزاری و عدم رعایت حقوق ملت

اخیرا، در هفته گذشته با ابتکار ریاست محترم مجلس هشتم، همایش کم نظیری در محل مجلس شورای اسلامی برگزار شد که تعداد زیادی نمایندگان ادوار گذشته مجلس در آن حضور یافته بودند و روسای دوره های مختلف سخنانی ایراد کردند ولی هیچیک از مدعوین به موضوع کمبود و زیر پا گذاشتن قوانین موضوعه در مورد حقوق ملت سخنی نگفت. لذا این قلم، ضمن تمجید این اقدام پسندیده، نکات زیر را یادآور می شود:

۱- در قانون اساسی، فصل سوم، اصول نوزدهم تا چهل و دوم یعنی ۲۴ اصل به حقوق ملت تخصیص یافته است و مجموع قوانین، سخنرانی ها و نظارت های مجلس در مورد این حقوق میزان ایفای تعهداتی را که نمایندگان در قسم نامه مجلس به آن سوگند خورده اند نشان می دهد.

۲- چون پرداختن به همه اصول یاد شده و بررسی کمبودها، کم توجهی ها و عدم رعایت آنها از ظرفیت یک مقاله خارج است، در این نوشتار تنها به اصول نوزدهم (حقوق اقوام)، بیستم (تساوی حقوق زنان و مردان)، بیست و سوم (منع تفتیش عقاید)، بیست و چهارم (مصونیت جان و حیثیت اشخاص)، بیست و ششم (آزادی احزاب) و سی و هشتم (منع شکنجه) اشاره خواهد شد.

۳- در اصل نوزدهم، به تساوی حقوق کلیه اقوام و قبایل اشاره شده است و اینکه رنگ، زبان و مانند اینها نباید موجب امتیاز شود. در کشور ما اقوام عرب، کرد، لر، بلوچ و ترکمن وجود دارند که بیشتر آنها دارای مذهب تسنن هستند و برابر قانون، حق استفاده از مساجد و مدارس ویژه خودشان را دارند. حال، نمایندگان مجلس باید بررسی کنند که در این سی سال چگونه حقوق آنان رعایت شده است. آیا نمایندگان مجلس در باره رعایت حقوق این اقلیت مسلمان کشور تحقیق و تفحص کرده اند و محدودیت ها، مضایق، ربوده شدن ها و کشته شدن ها و محدودیت های امامان جمعه و جماعت آنها را مورد بررسی قرار داده اند؟

۴- در اصل بیستم، به تساوی حقوق زن و مرد از نظر انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است. در این سی سال، چند قانون در این رابطه وضع شده است؟ آیا نمایندگان مجلس نمی دانند که در کشور ما جنبش زنان وجود دارد و بوسیله نیروهای امنیتی سرکوب شده است و تعدادی از بانوان فعال حقوق زنان بازداشت و روانه زندان گردیده اند؟ آیا در این سی سال، دست کم در مورد تساوی حقوق اقتصادی زنان و مردان اقدامی شده است؟ با آنکه قرآن مجید در مورد سهم الارث زنان از مردان محدودیتی قایل نشده و این

موضوع در فتوای مقام رهبری نیز تصریح شده است، هنوز طبق قانون مدنی گذشته زنان از سهم زمین در املاک شوهرشان محرومند. چقدر پسندیده می بود که زنان نماینده مجلس، از طریق گفتگو با تشکل های مربوط به جنبش زنان و با استفاده از ظرفیت قانون اساسی در اصول بیسم و بیست و یکم، طرحهایی تهیه می کردند و با اشتراک مساعی با صدها بانوی تحصیل کرده و مدیر و متخصص در کشور گامهای مهمی در راستای تحقق تساوی حقوق قانونی زنان و مردان کشور بر می داشتند.

۵- در اصل بیست و سوم، تفتیش عقاید منع شده است. در ایران، تقریباً در هر سال یک بار انتخابات داشته ایم. در تمام دوره های انتخابات، اعم از انتخابات مجلس، شوراهای شهر، مجلس خبرگان و ریاست جمهوری، سوالاتی در باره عقاید افراد می شود که همه آنها خلاف قانون اساسی است. در گزینش های استخدامی دولتی، در گزینش های دانشگاهها، بویژه مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، عقاید دانشجویان مورد سوال قرار می گیرد. در زندانها و بازداشتگاهها، صریحاً و کتباً از عقاید افراد سوال می شود، آیا هرگز نمایندگان به فکر افتاده اند که چگونه از این حق قانونی مردم دفاع کنند؟ نکته تاسف آور این است که قوانین انتخابات را نیز خود مجلسی ها نوشته و توجه نکرده اند که کسی حق ندارد از مردم و داوطلبان درباره عقاید و باورهایشان سوال کند آیا نباید روزی این اصل مورد توجه و رعایت قرار گیرد؟

۶- در اصل بیست و چهارم قانون اساسی، به مصونیت جان و حیثیت مردم از تعرض اشاره رفته است. در این سی سال، چند بار نمایندگان در صحن علنی مجلس به هتک حرمت و تعرض به آبرو و حیثیت برخی از مردان بزرگ کشور اعتراض کرده اند؟ در این مدت، کدام تحقیق و تفحص درباره مرگ های مشکوک و قتل های سیاسی انجام یافته است؟ چند بار نمایندگان درباره حوادث اسفباری که در کشور ما روی داده است اعتراض کرده و از حقوق ملت دفاع کرده اند؟

۷- اصل بیست و ششم در مورد آزادی احزاب است. مجلس شورای اسلامی قانون احزاب را در سال ۶۲ تصویب کرد که در آن قوه قضائیه موظف شده است که در ظرف یک ماه دادگاه اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تشکیل دهد، آیا در این ۲۵ سال، نماینده ای سوال کرده که چرا این دادگاه تشکیل نشده است؟

به نهضت آزادی ایران، یکی از قدیم ترین و سالم ترین احزاب کشور، پس از چهل و هفت سال فعالیت ملی و اسلامی و تحمل سختی ها و محرومیت ها در دوره های قبل و پس از انقلاب پروانه فعالیت داده نمی شود و هیچکس در کشور پاسخگو نیست و دادگاه صالحی نیز برای رسیدگی وجود ندارد.

مگر اعضای دولت موقت، که بیشترشان از مدیران نهضت آزادی ایران یا همفکرانشان بودند، در شکل گیری و پیروزی انقلاب و تاسیس نظام و نهادهای آن نقش اساسی نداشتند؟ آیا سهم آنان در پیروزی انقلاب را می توان نادیده گرفت؟ چرا حتی یک نماینده، در این سی سال، در

نطق قبل از دستور، اعتراض به این بی قانونی و محرومیت این شهروندان کشور از حقوقشان نکرده است یا نخواستند که قانون احزاب بدرستی اجرا شود.

آیا سایر احزاب منتقد و خارج از حاکمیت، یا بهتر بگوئیم احزاب مستقل، اجازه فعالیت رسمی یافته اند؟ مجلسیان و نمایندگان مردم کی باید به این بی توجهی ها به حقوق ملت در تشکیل احزاب پایان دهند؟ در طول این سی سال، بارها اعضای نهضت آزادی ایران بوسیله مقامات امنیتی تهدید شده اند و از آنان خواسته شده است که حزب را ترک کنند و عده ای نیز، به ناچار، چنین کرده اند. آیا این رفتارها مخالف قانون اساسی نیست؟

۸- در اصل سی و هشتم، هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع منع شده است. در کدام دوره مجلس، نمایندگان به این اصل توجه کرده اند؟ آیا، در طول سی سال گذشته، در کلانتری ها، مراکز نیروی انتظامی، ادارات آگاهی و زندانها، متهمان برای گرفتن اقرار و اطلاعات مورد ضرب و شتم و توهین قرار نگرفته اند و اکنون هم نمی گیرند؟ و آیا تاکنون، قانونی برای جلوگیری از این کارهای غیر انسانی و غیر شرعی و مجازات متخلفان از اجرای قانون وضع شده است؟ آیا نمایندگان مجلس هرگز فرصت می یابند که مراحل بازجوئی در دستگاههای قضائی کشور را مورد تحقیق و تفحص قرار دهند و ببینند که حقوق مردم چگونه رعایت می شود و آیا متهمی از زمان دستگیری حق انتخاب وکیل را دارد یا نه و مراحل بازجوئی و تشکیل پرونده وی با حضور وکیل قانونی انجام می گیرد؟

۹- از حق نباید گذشت که در مجلس ششم، که به مجلس اصلاحات معروف شده است بیشتر موارد بالا مورد بررسی نمایندگان محترم اصلاح طلب قرار گرفت و برای آنها طرحها و لوایحی تهیه گردید و حتی به تصویب مجلس نیز رسید ولی با سد آهنین شورای محترم نگهبان روبرو شد و به رغم پیگیری های نمایندگان و دولت اصلاحات، به نتیجه نرسید.

۱۰- شاید بهتر باشد که سوگند نامه مجلس یک بار دیگر مرور شود و نمایندگان عهدی را که با خداوند بسته اند به یاد آورند. **والعاقبه للمتقين**

* عضو دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران